

راهبردهای افزایش سرمایه‌گذاری داخلی

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی ده سال گذشته روند کاهشی داشته است؛ سرمایه‌گذاری خصوصی طی ۱۰ سال اخیر از ۱۱۴/۴ هزار میلیارد تومان به ۷۵/۷ هزار میلیارد تومان رسیده و افت محسوسی را تجربه کرده است، سرمایه‌گذاری دولتی نیز در سال ۱۳۸۸ معادل ۴۱/۴ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۳۹۸ به ۲۲ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. عدم تحقق مخارج عمرانی دولت، کسری بودجه دولت و محدود شدن اعتبارات در دسترس بخش خصوصی، بی‌ثباتی اقتصادی و بالا بودن میزان ریسک و نااطمینانی در اقتصاد کشور، فقدان نگاه بلندمدت و دخالت عوامل سیاسی در مقوله سرمایه‌گذاری، افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و نداشتن استراتژی مشخص در سرمایه‌گذاری را می‌توان از مهم‌ترین دلایل افت سرمایه‌گذاری داخلی در سال‌های گذشته دانست. با توجه به نقش سرمایه‌گذاری در فرآیند تولید، تداوم شرایط کنونی مانعی جدی برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار خواهد بود و به‌واسطه تأثیر منفی بر متغیرهای اقتصادی مانند تولید و اشتغال، تهدیدی جدی برای امنیت اقتصادی به شمار می‌آید. از این‌رو، به‌منظور تغییر شرایط کنونی و بهبود روند سرمایه‌گذاری پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شوند: ۱- افزایش میزان تحقق بودجه عمرانی کشور، ۲- محدود کردن فعالیت‌های بخش غیرمولد، ۳- کاهش کسری بودجه، ۴- کنترل نوسانات نرخ ارز و تورم برای کاهش ریسک و نااطمینانی در کشور و ۵- ایجاد ثبات سیاسی در کشور.

سرمایه‌گذاری با توجه به تأثیر مثبتی که بر اشتغال دارد، علاوه بر آثار اقتصادی، آثار اجتماعی و امنیتی مهمی برای کشور به همراه دارد. باین‌حال، وجود برخی مسایل و مشکلات مانند پابرجا بودن برخی قوانین و مقررات بازدارنده، ناکافی بودن بسترها و زیرساخت‌های فیزیکی، بالا بودن رتبه ریسک کشور در فعالیت‌های تولیدی، وجود ذهنیت منفی نسبت به وضعیت اقتصادی، ناکارآمدی نظام بانکی و تحریم‌های اقتصادی، باعث افت سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر شده است. هدف اصلی گزارش حاضر ارائه راهکارهایی برای افزایش سرمایه‌گذاری داخلی است که لازمه انجام این کار بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری داخلی، موانع و مشکلات بر سر راه سرمایه‌گذاری داخلی و دلایل افت آن در سال‌های اخیر است. از این‌رو، در این گزارش،

در نظریه‌های اقتصادی از سرمایه‌گذاری به‌عنوان موتور محرک رشد اقتصادی یاد می‌شود که لازمه نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی و داشتن رشد اقتصادی پایدار است. از دیدگاه اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستمر، بستر لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند. رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای به وجود زیرساخت‌های فیزیکی برای تولید و توزیع کالا و خدمات بستگی دارد و کیفیت و کارآیی زیرساخت‌ها بر تداوم فعالیت‌های تجاری و اقتصادی جامعه و کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی مؤثر است. اهمیت افزایش سرمایه‌گذاری از آن جهت است که افزایش سرمایه‌گذاری از یک سو، افزایش سطح تقاضای کل را به دنبال دارد و از سوی دیگر، در میان‌مدت و بلندمدت گسترش ظرفیت تولیدی کشور را موجب می‌شود. علاوه بر این، افزایش



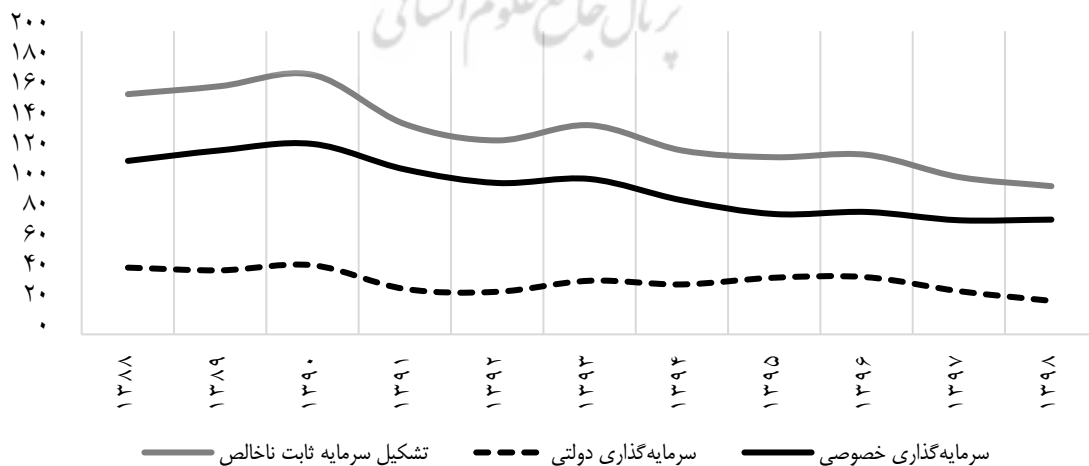
در بخش نخست، به بررسی وضعیت سرمایه گذاری داخلی در سال‌های اخیر می‌پردازیم. در بخش دوم، مهم‌ترین موانع سرمایه‌گذاری داخلی بیان می‌شود. در بخش سوم، به ملاحظات امنیت اقتصادی اشاره و در انتها، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۱- بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری داخلی در سال‌های اخیر

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصاد است که افزایش آن از یک سو، می‌تواند به افزایش تقاضای کل و رونق تولید در کوتاه‌مدت منجر شود و از سوی دیگر، به واسطه ایجاد ظرفیت‌های تولیدی، در بلندمدت با تقویت بخش عرضه اقتصاد، می‌تواند تضمین‌کننده رشد اقتصادی باثبات باشد. با وجود اهمیت سرمایه‌گذاری و ضرورت آن برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده است. نمودار شماره ۱، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، سرمایه‌گذاری دولتی و سرمایه‌گذاری خصوصی را در یک دهه گذشته است.

خصوصی را در یک دهه اخیر نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که روند کلی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی یک دهه گذشته کاهشی بوده، به طوری که میزان سرمایه‌گذاری کل در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۵۸/۴ هزار میلیارد تومان بوده، اما در سال ۱۳۹۸ این رقم به ۹۷/۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. با وجود روند نزولی سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی طی این سال‌ها، میزان کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی بسیار محسوس‌تر بوده است و با توجه به بیشتر بودن سهم سرمایه‌گذاری خصوصی از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، دلیل عمده کاهش سرمایه‌گذاری طی این سال‌ها به کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی مربوط می‌شود. سرمایه‌گذاری خصوصی طی ۱۰ سال اخیر از ۱۱۴/۴ هزار میلیارد تومان به ۷۵/۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. سرمایه‌گذاری دولتی نیز در سال ۱۳۸۸ معادل ۴۱/۴ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۳۹۸ به ۲۲ هزار میلیارد تومان کاهش یافته که این، پایین‌ترین میزان سرمایه‌گذاری دولتی در یک دهه گذشته است.

نمودار ۱- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، سرمایه‌گذاری دولتی و سرمایه‌گذاری خصوصی (هزار میلیارد تومان)



مأخذ: بانک مرکزی.

تحقق پرداخت‌های جاری حدود ۹۵ درصد بوده است. در واقع، در سال‌هایی که دولت با مشکل تأمین مالی مخارج خود مواجه شده است ترجیح داده بیشتر از مخارج عمرانی بکاهد، البته، با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از هزینه‌های جاری مربوط به هزینه حقوق و دستمزد کارکنان بوده، دولت به‌نوعی ناچار به انجام این کار شده است. سرمایه‌گذاری دولت اغلب در زیرساخت‌ها صورت می‌گیرد که زمینه‌های لازم را برای تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی فراهم می‌کند. از این رو، عدم تحقق مخارج عمرانی دولت باعث کاهش سرمایه‌گذاری دولتی می‌شود که این موضوع به صورت مستقیم سرمایه‌گذاری کل را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، با توجه به نقش سرمایه‌گذاری دولتی در ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات فیزیکی، مانعی برای حضور پررنگ‌تر بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و سرمایه‌گذاری می‌شود و از این رو، تأثیر منفی غیرمستقیم نیز بر تشکیل انباشت سرمایه ناخالص خواهد داشت.

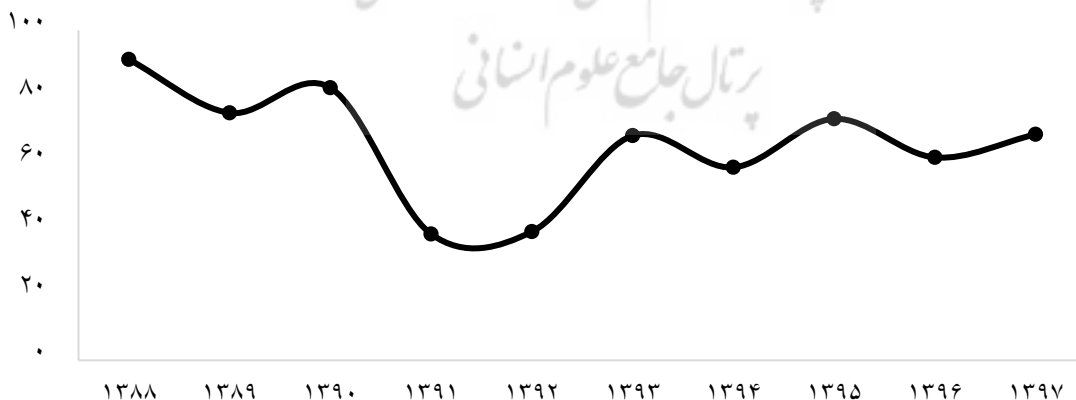
۲- برخی از مهم‌ترین دلایل کاهش

سرمایه‌گذاری داخلی در سال‌های اخیر

روند نزولی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال‌های اخیر، تحت تأثیر کاهش سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی بوده است که در ادامه به برخی از دلایل اثرگذار بر ایجاد شرایط کنونی، اشاره می‌شود.

- **عدم تحقق مخارج عمرانی دولت:** یکی از دلایل کاهش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال‌های اخیر، عدم تحقق مخارج عمرانی بوده که کاهش سرمایه‌گذاری دولتی و به تبع، کاهش سرمایه‌گذاری کل را به همراه داشته است. نمودار شماره ۲، میزان تحقق بودجه عمرانی را در سال‌های گذشته نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که دولت در بیشتر سال‌ها در خصوص پرداخت اعتبارات عمرانی عملکردی متناسب با آنچه در مصوبه بودجه برای پرداخت‌های عمرانی در نظر گرفته شده، نداشته است، به طوری که متوسط درصد تحقق پرداخت‌های عمرانی طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ حدود ۶۳ درصد و میزان

نمودار ۲- درصد تحقق پرداخت‌های عمرانی



مأخذ: بانک مرکزی.

اعتبارات کافی همواره به‌عنوان یکی از مشکلات اساسی بر سر راه سرمایه‌گذاری وجود داشته است. در سال‌های

- کسری بودجه دولت و محدود شدن اعتبارات در دسترس بخش خصوصی: عدم دسترسی به



بررسی ترکیب منابع تأمین مالی در اقتصاد ایران حاکی از آن بوده که شیوه تأمین مالی در اقتصاد ایران بانک محور است. در سال‌های اخیر تقریباً ۸۱ درصد از تأمین مالی اقتصاد از طریق نظام بانکی صورت گرفته است، از این رو، ایجاد محدودیت در منابع بانکی برای ارایه تسهیلات به بخش خصوصی و افزایش هزینه تأمین مالی، تأمین مالی شرکت‌های خصوصی را با محدودیت جدی مواجه کرده و از این طریق می‌تواند آثار مخرب بیشتری بر سرمایه‌گذاری و تولید کشور برجای گذارد.

- بی‌ثباتی اقتصادی و بالا بودن میزان ریسک و نااطمینانی در اقتصاد کشور: بی‌ثباتی اقتصادی در سطح کلان و نااطمینانی ناشی از آن که از مشخصه‌های اصلی اقتصادهای در حال توسعه است، می‌تواند آثار منفی بر سرمایه‌گذاری خصوصی داشته باشد. نرخ تورم بالا و نوسانات نرخ ارز از مهم‌ترین مشخصه‌های بی‌ثباتی اقتصادی و نااطمینانی در اقتصاد هستند که در سال‌های اخیر وجود این عوامل باعث شده است فضای سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران با نااطمینانی و ریسک بالا همراه باشد که نتیجه آن، افت محسوس سرمایه‌گذاری خصوصی در یک دهه اخیر بوده است.

بخش عمده‌ای از واردات کشور مربوط به کالاهای سرمایه‌ای است که با توجه به وابستگی واردات به ارز، نوسانات آن تأثیر مستقیمی بر سرمایه‌گذاری دارد. با افزایش نرخ ارز، هزینه‌های سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و ممکن است بازده طرح سرمایه‌گذاری کاهش یابد و افراد را از سرمایه‌گذاری منصرف کند. علاوه بر افزایش نرخ ارز، وجود نوسانات نرخ ارز، باعث ایجاد نااطمینانی در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی برای

اخیر، کاهش منابع درآمدی دولت به دلایلی مانند تحریم‌ها و کاهش فروش نفت، کسری بودجه را به همراه داشته که این مسئله باعث شده است دولت به منظور تأمین مالی کسری بودجه خود به استقراض از نظام بانکی اقدام کند که این موضوع حداقل دو اثر منفی برای اقتصاد به همراه داشته است:

۱- منابع قابل دسترس بخش خصوصی را محدود کرده است که می‌توان این مسئله را از اظهار نگرانی‌های فعالان بخش خصوصی (که به طور کلی این وضعیت در دهه اخیر ملموس است) از کمبود نقدینگی و تسهیلات برای بخش خصوصی (به‌رغم وجود رشد سالانه به‌طور متوسط بالای ۲۵ درصدی نقدینگی طی ۱۰ سال اخیر) مشاهده کرد.

۲- افزایش بدهی دولت به بانک‌ها، منابع بانک‌ها را برای ارایه تسهیلات کاهش داده و باعث استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی شده است. به دنبال این اتفاق، هزینه‌های تأمین مالی شامل نرخ سود و ریسک منابع بانکی، افزایش یافته که در نتیجه، هزینه تأمین مالی را در کشور افزایش داده است. در واقع، از آنجا که بانک‌ها بابت اضافه برداشت (استقراض) از بانک مرکزی، نرخ سود ۳۴ درصدی تحت عنوان جریمه اضافه برداشت، می‌پردازند، هزینه تمام‌شده پول برای بانک‌ها بالا می‌رود. این موضوع باعث می‌شود بانک‌ها برای جبران هزینه‌های خود، اغلب با استفاده از ترندهای مختلف، سود تسهیلات پرداختی را در عمل فراتر از نرخ‌های مصوب تعیین کنند که در نهایت، هزینه تأمین مالی افزایش می‌یابد.



را به درستی جهت‌دهی نمی‌کنند، لازم است به منظور تخصیص مناسب منابع، نظارت و برنامه‌ریزی منسجم در دستور کار قرار گیرد. نداشتن استراتژی مشخص در سرمایه‌گذاری باعث شده است در سال‌های اخیر سرمایه‌های هنگفتی از کشور به سرمایه‌گذاری‌های یکسان و تولید کالاهای مشابه تخصیص یابد که بسیاری از این کالاهای کالاهای مصرفی بوده و به صورت مازاد در واحدهای تولیدی باقی‌مانده است. در حالی که نیاز اصلی کشور تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده است و این نیاز می‌توانست با برنامه‌ریزی منسجم و جهت‌دهی صحیح سرمایه‌گذاری داخلی برطرف شود.

۲- افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری: داشتن نرخ تورم بالا و کاهش ارزش پول ملی از دلایل کاهش سرمایه‌گذاری و عدم رغبت فعالان اقتصادی به سرمایه‌گذاری بوده است. در سال‌های گذشته، داشتن تورم بالا و افزایش شدید نرخ ارز باعث افزایش هزینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری شده که این مسئله کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را به دنبال داشته است. علاوه بر تأثیر منفی افزایش تورم بالا و افزایش نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری دولتی، اعمال تحریم‌های بین‌المللی و کاهش محسوس درآمدهای ارزی، باعث کاهش درآمدهای دولت و فشار بر بودجه دولت شده که این موضوع به کاهش سرمایه‌گذاری دولتی منجر شده است.

۳- ملاحظات امنیت اقتصادی

سرمایه‌گذاری بهینه و کارآ یکی از عوامل اصلی و تضمین‌کننده رشد اقتصادی پایدار در هر کشوری به شمار می‌آید. از سوی دیگر، رونق سرمایه‌گذاری به‌عنوان یک فرآیند بلندمدت خود تحت تأثیر عوامل

سرمایه‌گذاری می‌شود و ممکن است فرآیند سرمایه‌گذاری را با تعویق همراه کند.

علاوه بر موارد یادشده، مادام که اقتصاد با نرخ تورم بالا و افزایش نرخ ارز و نوسانات آن مواجه می‌شود، بازده فعالیت‌های غیرمولد نسبت به فعالیت‌های مولد افزایش می‌یابد که این موضوع باعث سفته‌بازی و هدایت منابع و اعتبارات به سمت بخش نامولد می‌شود و از این رو، تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری و تولید خواهد داشت.

۴- فقدان نگاه بلندمدت و دخالت عوامل سیاسی در

مقوله سرمایه‌گذاری: اجرای پروژه‌های عمرانی و طرح‌های سرمایه‌گذاری باید با در نظر گرفتن منابع موجود برای تأمین مالی طرح‌ها براساس اولویت‌بندی نیازهای جامعه و برنامه‌های توسعه باشد. این در حالی است که در سال‌های اخیر در اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری به این موارد توجهی نشده است و در بسیاری از طرح‌ها شاهد دخالت عوامل سیاسی و منطقه‌ای از جمله نمایندگان مجلس بوده‌ایم که بدون توجه به دردسترس بودن منابع کافی برای اجرای کامل طرح، تنها به منظور کسب محبوبیت بین عموم به اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری اقدام کرده‌اند. این موضوع علاوه بر تحمیل هزینه‌های مالی به کشور، تأخیر در اجرای طرح‌ها را به دنبال دارد و ممکن است بسیاری از طرح‌ها به دلیل تأخیر زمانی از صرفه اقتصادی خارج شوند.

۵- نداشتن استراتژی مشخص در سرمایه‌گذاری: نبود برنامه‌ریزی و جهت‌دهی مناسب سرمایه‌گذاران در کشور یکی از موانع و چالش‌های سرمایه‌گذاری داخلی است. با توجه به آنکه در اقتصاد ایران قیمت‌ها تخصیص منابع



نتیجه گیری و پیشنهادها

بررسی وضعیت سرمایه گذاری داخلی کشور نشان می دهد که طی یک دهه اخیر روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص افت محسوسی را تجربه کرده که این موضوع تحت تأثیر افت سرمایه گذاری خصوصی و دولتی بوده است. با وجود این، میزان کاهش سرمایه گذاری خصوصی بسیار محسوس تر بوده و با توجه به بیشتر بودن سهم سرمایه گذاری خصوصی از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، دلیل عمده کاهش سرمایه گذاری طی این سالها به کاهش سرمایه گذاری خصوصی مربوط می شود. سرمایه گذاری خصوصی طی ۱۰ سال اخیر از ۱۱۴/۴ هزار میلیارد تومان به ۷۵/۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. از سوی دیگر، سرمایه گذاری دولتی در سال ۱۳۸۸ معادل ۴۱/۴ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۳۹۸ به ۲۲ هزار میلیارد تومان کاهش یافته که این، پایین ترین میزان سرمایه گذاری دولتی در یک دهه گذشته است، اما با توجه آنکه سرمایه گذاری دولتی به طور عموم در زیرساختها صورت می پذیرد، می توان بخشی از کاهش سرمایه گذاری خصوصی را متأثر از کاهش سرمایه گذاری دولتی طی یک دهه اخیر دانست. از مهم ترین دلایل نزولی بودن روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص می توان به: عدم تحقق مخارج عمرانی دولت، کسری بودجه دولت و محدود شدن اعتبارات در دسترس بخش خصوصی، بی ثباتی اقتصادی و بالا بودن میزان ریسک و نااطمینانی در اقتصاد کشور و فقدان نگاه بلندمدت و دخالت

مختلف اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. از این رو، ارتباط بین امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری اقتصادی دوسویه است، فقدان امنیت و ثبات اقتصادی می تواند به خروج سرمایه از کشور منجر شود و کاهش سرمایه گذاری داخلی را به همراه داشته باشد و در مقابل، عدم سرمایه گذاری بهینه و کارآ در هر کشوری می تواند به امنیت اقتصادی آن آسیب های جبران ناپذیری وارد کند. کاهش سرمایه گذاری داخلی باعث می شود بخشی از ظرفیت تولید بالقوه مورد استفاده قرار نگیرد و از این رو، به بیکار ماندن بخشی از عوامل تولید از جمله نیروی کار منجر می شود. بیکاری نیروی کار علاوه بر هزینه های اقتصادی زیادی که برای اقتصاد کشور به همراه دارد، تبعات اجتماعی سنگینی نیز به دنبال خواهد داشت که این موضوع می تواند باعث تشدید تبعات اقتصادی شود و امنیت اقتصادی را با مخاطره روبه رو کند. در واقع، کاهش سرمایه گذاری به عدم ایجاد فرصت های شغلی متناسب با جمعیت در حال افزایش منجر می شود که علاوه بر هزینه های اقتصادی ای که بر کشور تحمیل می کند، می تواند آثار و تبعات اجتماعی و سیاسی نامطلوبی مانند افزایش جرم و جنایت، افزایش نارضایتی عمومی و اعتراضات سیاسی را به دنبال داشته باشد. همچنین به دنبال کاهش سرمایه گذاری و تضعیف بنیه تولید، کشور ناچار به تأمین برخی کالاها از طریق واردات می شود و تداوم این روند به وابستگی بیشتر به واردات منجر خواهد شد. یکی از آثار منفی این موضوع آن است که تأثیرپذیری اقتصاد کشور از شوک های خارجی و تحریم ها بیشتر خواهد شد و این مسئله تهدیدی برای امنیت اقتصادی کشور به شمار می رود.



موضوع، کاهش اعتبارات در دسترس بخش خصوصی را به همراه داشته که از این طریق تأثیری منفی بر سرمایه‌گذاری خصوصی گذاشته است. از این رو، کاهش کسری بودجه می‌تواند از طریق کاهش استقراض دولت از نظام بانکی، بخشی از مشکل تأمین منابع مالی مورد نیاز بخش خصوصی را مرتفع کند. برای کاهش کسری بودجه پیشنهاد می‌شود دولت تمرکز خود را بر کاهش آن بخش از مخارج جاری، مانند یارانه دهک‌های درآمدی بالا که قابلیت کاهش دارند، قرار دهد.

- کنترل نوسانات نرخ ارز و تورم برای کاهش ریسک و نااطمینانی در کشور: نوسانات نرخ ارز و تورم از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده ریسک و نااطمینانی در اقتصاد هستند که در سال‌های اخیر به‌وضوح تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری داخلی داشته‌اند. از این رو، اتخاذ سیاست‌های پولی و ارزی ثبات‌گرا از طریق کنترل نقدینگی می‌تواند به کنترل نوسانات نرخ ارز و تورم منجر شود که این موضوع چشم‌انداز مثبتی را پیش روی سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد و موجب افزایش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری می‌شود.

- ایجاد ثبات سیاسی در کشور: ایجاد اعتماد، آرامش و فضای باثبات سیاسی باعث کاهش نااطمینانی می‌شود که در نتیجه، می‌تواند ترغیب فعالان اقتصادی را به سرمایه‌گذاری به دنبال داشته باشد. در مقابل، دعوای سیاسی و فضای پرتنش سیاسی موجب ایجاد نااطمینانی و خروج سرمایه از کشور می‌شود که این موضوع کاهش سرمایه‌گذاری را به همراه دارد. از این رو، پرهیز از دعوای سیاسی و چندگانگی در مدیریت و تصمیم‌گیری مسایل اقتصادی و حفظ ثبات سیاسی در کشور از طریق اجماع در بین مسئولان کشور، پیشنهاد می‌شود.

عوامل سیاسی در مقوله سرمایه‌گذاری، اشاره کرد. از این رو، به‌منظور بهبود روند سرمایه‌گذاری پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

- افزایش میزان تحقق بودجه عمرانی کشور: سرمایه‌گذاری دولتی علاوه بر تأثیر مستقیم بر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، به‌واسطه فراهم کردن زیرساخت‌های فیزیکی نقش مؤثری در حضور پررنگ‌تر بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی دارد. با این حال، در سال‌هایی که دولت با کسری منابع مواجه است شاهد عدم تحقق کامل مخارج عمرانی بوده‌ایم، به‌طوری که روند آن طی سال‌های اخیر کاهش یافته و این، به معنای کاهش سرمایه‌گذاری دولتی است. از این رو، افزایش میزان تحقق بودجه عمرانی یکی از راهکارهایی است که می‌تواند افزایش سرمایه‌گذاری را به همراه داشته باشد.

- محدود کردن فعالیت‌های بخش غیرمولد: ریسک پایین و بازده بالا در بازارهایی مانند سکه، طلا و ارز موجب شده است در سال‌های اخیر هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد افزایش یابد و به همین دلیل، بخش زیادی از منابع مالی جامعه به سمت این بخش‌ها هدایت شده است. از این رو، پیشنهاد می‌شود با نظارت بیشتر بر بخش‌های نامولد، از گسترش این بخش‌ها جلوگیری شود تا از این طریق منابع مالی مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری تأمین شود.

- کاهش کسری بودجه: در سال‌های اخیر شاهد این موضوع بوده‌ایم که به دنبال کسری بودجه - که به‌طور عمده نشأت گرفته از هزینه‌های جاری بوده است - دولت به استقراض از نظام بانکی اقدام کرده و این